

ایل بختیاری

جواد صفی نژاد

فاصل دو منطقه فوق را رود «صیمره» نیز می‌دانند زیرا این رود در دامنه شمالی کبیرکوه و به موازات آن به سمت داخل ایران جریان دارد.

سرزمین‌های شمالی کبیرکوه که به پیشکوه معروف است مرکزش خرم‌آباد و سرزمین‌های جنوبی که به پشتکوه شهرت دارد مرکزش ایلام است. حکمرانان مشهور منطقه لر کوچک که به اتابکان لر کوچک مشهورند از سال ۵۷۰ تا ۱۰۰۶ هجری یعنی نزدیک به چهار قرن و نیم در آن نواحی حکومت کردند.

لر بزرگ

قسمت شرقی منطقه لرنشین «لر بزرگ» نامیده شد زیرا از دو برادر حاکم بر ناحیه لرنشین، حاکم لرستان غربی برادر کوچکتر و حاکم لرستان شرقی برادر بزرگتر بود، نام برادر بزرگتر «بدر» و برادر کوچکتر به «منصور» شهرت داشت.

قبل از این دو برادر، لرستان دارای حکمران واحد و نیای مشترکی نیز بوده است زیرا به مجرد تقسیم شدن به دو منطقه احشام و ابوابجمعی آنها به دو قسمت تقسیم و از هم جدا شدند.^(۳)

از نظر تاریخی هم حکمرانان این منطقه را اتابکان لر بزرگ می‌نامند که از سال ۵۵۰ تا ۸۲۷ قمری یعنی نزدیک به سه قرن در قلمرو لر بزرگ حکومت می‌کردند.

در حال حاضر ایلات لر زبان زیر در منطقه لر بزرگ سکونت دارند:

۱- ایل بختیاری

منطقه وسیعی از غرب و مرکز ایران، قلمرو لرهایی است که از حدود نیمه قرن ششم هجری در آن نواحی به قدرت رسیده و حکومتی تشکیل دادند که در تاریخ ایران به نام «اتابکان لرستان» مشهور است، اتابکان مذکور حدود سه قرن در مناطق لرنشین حکومت می‌کردند و حاکم آنها را والی لرستان می‌نامیدند.

مقارن قرن چهارم هجری، لرستان عملاً به دو منطقه لرنشین «لر کوچک» و «لر بزرگ» تقسیم گردیده بود و دو برادر زمام امور دو قسمت را در دست داشتند^(۱)، حدفاصل و مرزهای حوزه قدرت هر دو قسمت لرنشین کاملاً مشخص بود و شاخه رود دز از حوالی بروجرد تا دزفول، این دو طلایه را از هم مشخص می‌کرد.^(۲)

لر کوچک

قسمت غربی منطقه لرنشین به لر کوچک شهرت یافته بود که امروزه در غرب ایران به لرستان مشهور است، منطقه لرستان را «لرستان صغیر» نیز نوشته‌اند و ساکنین منطقه را گاه «لرفیلی» نیز نامیده‌اند.

محدوده لر کوچک بین دزفول در جنوب، حدود کرمانشاه در شمال، رود دز در مشرق و مرزهای غربی کشور واقع شده است. هر چند که سراسر لرستان کوهستانی است ولی کبیرکوه که مشهورترین کوه‌های منطقه است با جهت شمال غربی جنوب شرقی لرستان را به دو قسمت «پیشکوه» و «پشتکوه» تقسیم می‌نماید، گاهی حد

استاد صفی نژاد طی پژوهش خود پیرامون «عشایر مرکزی ایران» نوشته زیر را به معرفی ایل بختیاری اختصاص داده و در آن، به تفصیل از پیشینه تاریخی، تقسیم ایل، قلمرو، مالیات، ساخت ایل - ایل، قسمت، باب، طایفه، تیره، اولاد، مال، ساخت قدرت - ایلخان، ایل بیگ، حاکم و نیز از جمعیت، اقتصاد ایل، اقتصاد دامی، کوچ، تعلیف و «ایل راه» سخن گفته است. این نوشته، شامل چندین نقشه و جدول راهنماست که به رعایت محدودیت صفحات مجله، برخی از آنها را به قرینه گفتار و توضیحات متن بی‌آنکه به ساخت کلی مقاله لطمه‌ای بزند - حذف کرده‌ایم تا بتوانیم سایه دست و نمونه‌ای از آثار استاد صفی نژاد را پیشدید خوانندگان فرهیخته کیهان فرهنگی قرار دهیم.

۲- ایلات کهگیلویه

۳- ایل ممسنی

۴- الوار حیات داودی

در اینجا به اختصار درباره ایل بختیاری اشاره می‌کنیم.

بختیاری‌ها شاخه‌ای از الوار هستند که در تاریخ ایران به «لر بزرگ» مشهورند و در منطقه بختیاری کنونی سکونت دارند. در عصر صفویه، نام بختیاری از کلمه «بختیاروند» که یکی از طوایف مهم آنجا است بر روی لر بزرگ نهاده شد. (۴) هر چند که منابع تاریخی در اوایل قرن هشتم نام «بختیاری» را متذکر شده‌اند. (۵) حدود منطقه بختیاری نشین را در مغرب رود دزفول و مرزهای شرقی شوشتر فرا گرفته‌اند. رامهرمز، بهبهان و کهگیلویه، همسایگان جنوبی بختیاری‌ها، حد فاصل مرزهای شرقی آنها به مرزهای غربی بروجن، شهرکرد و داران می‌رسد و از طرف شمالی مرز نشین کوهپایه‌ای است که از حدود بروجرد تا حوالی شهرکرد یا جهت شمال غربی جنوب شرقی امتداد دارد.

قلمرو بختیاری‌ها حدود ۶۰/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که شامل مناطقی از چهار استان: خوزستان، لرستان، اصفهان و چهارمحال بختیاری می‌گردد در صورتی که وسعت استان چهارمحال و بختیاری بیش از یک چهارم آن وسعت ندارد.

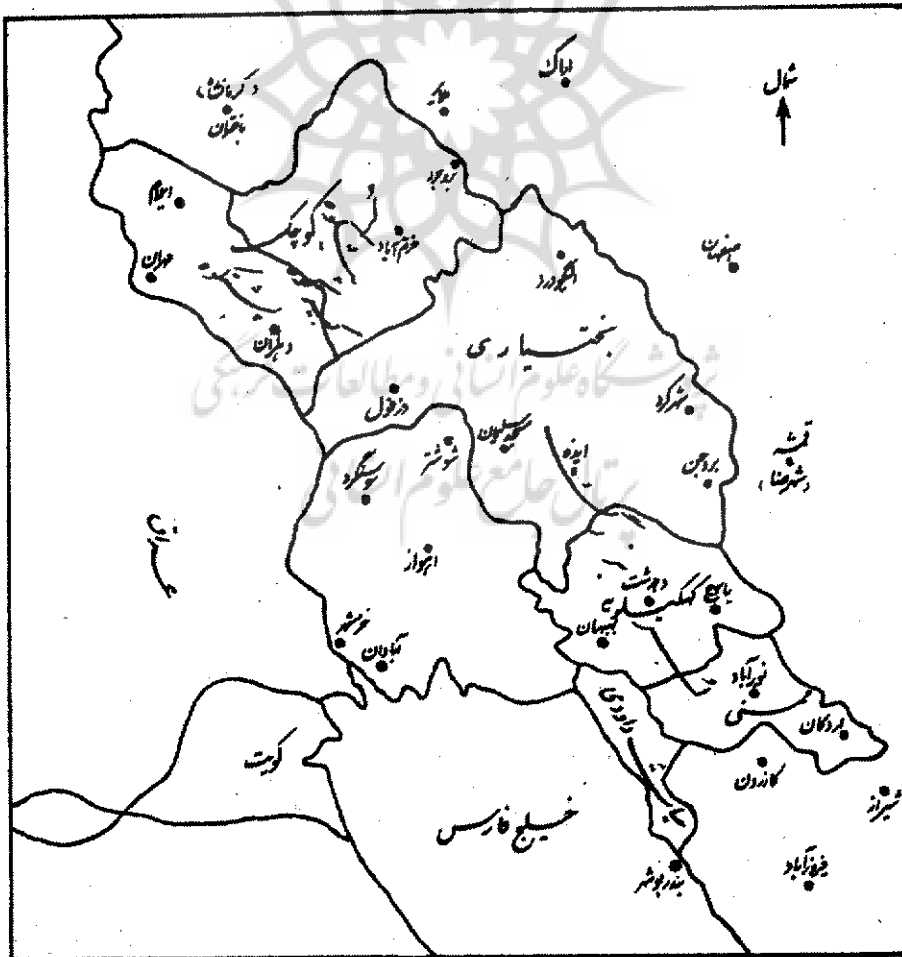
ایل بختیاری به دو دسته بزرگ «هفت لنگ» و «چهار لنگ» تقسیم می‌گردد قلمرو تابستانی چهار لنگ‌ها در شمال منطقه و هفت لنگ‌ها در جنوب آن واقع است ولی چهارلنگ‌ها در مناطقی از جنوب مرکزی دارای قلمرو زمستانی‌اند. (۵)

در مقایسه بین این دو دسته، هفت لنگ‌ها را فقیرتر از چهارلنگ‌ها دانسته‌اند و از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که مراتع خوب و زمین‌های حاصلخیزتر در تصرف چهارلنگ‌ها است.

از نظر تاریخی، منطقه بختیاری گاهی جزء استان فارس و زمانی جزء حکومت خوزستان بود، زیرا در «تاریخ بختیاری» چنین آمده است: «در اوایل سلطنت فتح‌علیشاه، بختیاری جزء

□ بختیاری‌ها شاخه‌ای از الوار هستند که در تاریخ ایران به «لر بزرگ» مشهورند و در منطقه بختیاری کنونی سکونت دارند. در عصر صفویه، نام بختیاری از کلمه «بختیاروند» که یکی از طوایف مهم آنجا است بر روی لر بزرگ نهاده شد.

قره‌تسیگی ایلات مختلف الوار



خاک فارس بود و رود کارون در فاصل بین فارس و عراق عجم بود، از سال ۱۲۵۲ قمری بختیاری گاهی جزء فارس و گاهی جزء حکومت خوزستان بود.

قشلاق بختیاری‌ها در خاک خوزستان است و در فصل زمستان چند هزار سپاه چادر در بیابان‌های دزفول و شوشتر و رامهرمز افتاده است و کمال استیلا را دارند، رامهرمز آخر خاک بختیاری است و در زمستان، ایلات بختیاری از آنجا الی خاک دزفول متفرقند و قابل ۳۰/۰۰۰ زوج گاو است و قوت زمین تخمی ۳۰ الی ۵۰ تخم و حاصل آنجا غله است و جوزق (پنبه) و شلتوک و ذرت و کنجد. (۶)

بختیاری‌ها در تاریخ ایران نیز شهرت دارند زیرا به هنگام تجاوز افغان‌ها به اصفهان، قاسم خان بختیاری در سال ۱۱۳۴ قمری با ۱۲/۰۰۰ سوار بختیاری بدانها حمله کرد، افغان‌ها در کوهستان‌های بختیاری شکسته و در مانده شدند و سرانجام متوسل به قاسم خان بختیاری شده با ارسال هدایایی باقیمانده سربازان خود را از کوهستان‌های بختیاری نجات دادند. (۷)

عده زیادی از بختیاری‌ها در سپاه نادر خدمت می‌کردند. در زمان کریم خان زند، علیمردانخان بختیاری نفوذ عجیبی در سپاه کریم خان داشت.

آقا محمدخان قاجار علیه بختیاری‌ها لشکرکشی نمود ولی موفق نگردید. از مزاحمت بختیاری‌ها چشم پوشید. در حدود سال ۱۲۵۱ قمری محمدتقی خان ایلخان بختیاری می‌توانست ۱۰/۰۰۰ تا ۱۲/۰۰۰ نفر مرد جنگی آماده نماید که ۲/۰۰۰ تا ۳/۰۰۰ نفر آنها سوار باشند زیرا از رامهرمز تا دزفول و بهبهان زیر نفوذ او بود. بختیاری‌ها در نهضت مشروطیت سهم به‌سزایی داشتند، مجاهدت‌های سردار اسعد بختیاری به طرفداری از مشروطیت و نقش سواران بختیاری در زدوخوردهایی با مخالفین مشروطیت، خود داستان جداگانه‌ای دارد. (۸)

مالیات

سکنه بختیاری به شکل سنتی به دو دسته بزرگ «هفت لنگ» و «چهارلنگ» تقسیم می‌گردند، در مورد کلمه «لنگ» محلیان چنین نوشته‌اند که:

«... در محضری که ریش سفیدان قوم حضور داشتند در این باب مذاکرات زیاد شد آراء بر این قرار گرفت از آنجا که بنیچه مالیات ایلیات از حیوانات است مثلاً بختیاری از مادیان، قشقای از گوسفند، شاهسون از شتر،

قاطر از این منطقه به سایر نقاط ایران صادر می شود، اگر هر رأس قاطر را ۲۰ تومان در نظر بگیریم سالیانه در حدود ۲۰/۰۰۰ تومان می شود. (۱۳) و در سال ۱۳۴۹ دفتر آبادانی مناطق عشایری تعداد دام درشت اندام (اسب، گاو، قاطر، مادیان و الاغ) منطقه بختیاری را بیش از ۴۰۰/۰۰ رأس آمار داده است. (۱۴)

مادیان معافی: مادیان معافی یعنی معاف بودن از پرداخت مالیات، در این باره آگاهان محلی اظهار می دارند که مادیان معافی در بختیاری وجود داشته است زیرا ممکن بود برخی از محلیان به مناسبت انجام کار چشمگیری برای خان از دادن مالیات معاف گردند. (۱۵)

ساخت ایلی

این بختیاری به دو دسته بزرگ هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم می گردد که محلیان هر کدام را خود «ایل» می نامند، اگر هر کدام از اینها را ایل جداگانه ای بدانیم هر کدام از آنها به چند طایفه بزرگ تقسیم می گردند (جدول های ساخت سنتی) و سپس هر طایفه خود به تیره های متعدد، هر تیره به چند «تش» و هر تش به چند «گُربو» (اولاد) و هر گربو به چند خانوار تقسیم می گردد:

ایل - طایفه - تیره - تش - گُربو (اولاد) - خانوار
واحد مسکونی خانوار عشایری سیاه چادر است و چند خانوار که در کنار هم در سیاه چادرها زندگی می کنند یک مال را تشکیل می دهند، سیاه چادر را بهون نیز می نامند که به نام رئیس خانوار خوانده می شود.

ساخت سنتی ایلی در دو شاخه هفت لنگ و چهارلنگ یکسان نیست زیرا شاخه هفت لنگ به پنج «باب» تقسیم می گردد و هر باب به چند طایفه منقسم می شود در صورتی که شاخه چهارلنگ مستقیماً به طوایف چندی تقسیم می گردد.

قسمت

برخلاف تقسیمات تمامی ایلات ایران، ایل بختیاری به دو قسمت مستقل و مجزا از هم به نام «چهارلنگ» و «هفت لنگ» تقسیم می گردند. امروزه قلمرو چهارلنگ ها در شمال و هفت لنگ ها سرزمین های جنوب منطقه را در تصرف دارند، هر چند که هر دو دسته در گذشته دور دارای نیای مشترک بوده اند ولی در طول تاریخ منطقه ای بندرت بین آنها وحدت وجود داشته و اغلب با هم در ستیز بوده اند ولی در مجموع هر دو دسته خود را بختیاری می دانند.

باب

در گذشته بختیاری چهارلنگ به پنج طایفه (۱۶) بزرگ و امروزه آنها را به چهار طایفه بزرگ (۱۷) تقسیم نموده اند ولی این تقسیم بندی در مورد هفت لنگ ها حداقل در ۸۰ سال اخیر ثابت و

در زیر لوای یک اتحاد سیاسی و طایفه ای در قلمرو جغرافیایی واحدی، مجموع ابوابجمعی انسانی خود را به نام «باب» نامیده اند. به عبارت دیگر: در یک منطقه جغرافیایی طوایف متعددی به شکل اقماری پراکنده اند، طوایف مذکور قلمروشان با مرزهای طبیعی جغرافیایی مشخص است، محدوده مذکور خود بخود دارای یک قدرت سیاسی کوچک و محلی است که تمام طوایف اقماری خود را وابسته بدان دانسته، در مواقع لزوم به حمایت چنین قدرتی بزرگاسته و خواسته ها و نظرات آن را به اجرا درمی آورند و متقابلاً خان و یا سرپرست آنها کلیه این طوایف را زیر چتر حمایت خود قرار می دهد. طوایفی که خود را وابسته به چنین قدرتی می دانستند با نام «باب» پیوستگی و اتحاد خود را آشکار می نمودند مثلاً: دورکی باب به همه طوایفی اطلاق می گردید که در قلمرو خان دورکی به سر برده و اتحادی با آن داشتند و در مواقع لزوم عملاً وابستگی سیاسی خود را به مرحله اجرا درمی آوردند و منافع مشترک خود را حفظ می کردند. (۲۰)

تش

در طوایف مختلف بختیاری هر تیره به چند «تش» تقسیم می گردد. تش واحدی است ذهنی چون در یک لحظه زمانی شاخه های مختلف آن که به اولاد شهرت دارند قابل رؤیت نیستند، سرپرستی هر تش را فرد کاردان و فعال و سر و زبان داری از همان تش به عهده دارد که به «ریش سفید» مشهور است معمولاً ریش سفیدان افراد پخته و کاردانی هستند که از طرفی رتق و فتق امور اجتماعی تش به عهده آنهاست و از طرف دیگر رابطی هستند بین کدخدایان و کلانتران و اجرای امور سیاسی تش. (۲۱)

خانوارهای یک تش همه با هم خویشاوند نزدیک و دارای نیای مشترکند. و در واقع تش مرز گروه خویشاوندی نزدیک است. در صورت بروز اتفاقی برای یکی از اعضاء تش سرعت خبر در واحدهای کوچکتر تش (اولاد) پخش شده ریش سفیدان و اعضاء فعال به اجرای وظایف محوله همت می گمارند، در چنین مواردی بهون (سیاه چادر) فردی که برایش اتفاق افتاده (چه شادی، چه غزا) چون مرکزی انتخاب و اعضاء و فعالین تش به گرداگرد بهون مذکور گردآمده و در وظایف محوله شرکت فعال دارند. (۲۲)

اولاد (گُربو)

در تقسیمات سنتی در عشایر بختیاری، هر تش به چند اولاد تقسیم می گردد که بدان «گُربو» (پسر و پدر) نیز می نامند، هر اولاد از حدود ده ها خانوار تشکیل می گردد و به طور متوسط هر خانواری دارای یک «بهون» (سیاه چادر) است که واحد مسکونی عشایر به حساب می آید.

هر اولاد دارای ریش سفیدی است که از بین مردان

□ بختیاری ها در نهضت

مشروطیت سهم به سزایی داشتند،

مجاهدت های سردار اسعد

بختیاری به طرفداری از

مشروطیت و نقش سواران

بختیاری در زد و خوردهایی با

مخالفین مشروطیت، خود

داستان جداگانه ای دارد.

آنها را به چهار «باب» به نامهای زیر تقسیم نموده اند:

- | | |
|-----------------|---------------------|
| ۱- دورکی باب | دارای ۱۲ طایفه |
| ۲- بهداروند باب | دارای ۱۱ طایفه |
| ۳- بابادی باب | دارای ۸ طایفه |
| ۴- دینارانی باب | دارای ۷ طایفه |
| هفت لنگ | دارای ۳۸ طایفه (۱۸) |

سردار اسعد در تاریخ خود «طایفه» را معادل «باب» گرفته است و اظهار می دارد: طایفه هفت لنگ بختیاری مشتمل بر چهار طایفه بزرگ، دورکی، دینارانی، بابادی و بهداروند (بهداروند) است. (۱۹)

«باب» در اذهان عمومی بختیاری ها کمتر مطرح است و معمولاً محلیان آن را در محاوره معمولی به کار نمی برند ولی آگاهان محلی به واقعیت آن اعتراف دارند و آن را اصطلاحی می دانند که وحدت جغرافیایی طوایف اقماری را با وحدت سیاسی توأم می نماید و در واقع:

باب پسوندی است که مفهوم پیوستگی و همبستگی طایفه ها را می رساند و یادآور دورانی است که قدرت مرکزی ضعیف و قدرت های محلی نیرومند بوده اند، سرزمین بختیاری که توسط کوهها و رودهای متعددی به مناطق کوچکتری تقسیم می شوند، این عوامل طبیعی باعث جدایی طوایف مختلف منطقه از هم گردیده و ناچاراً طوایف هر منطقه در برابر رویدادهای سیاسی به اتحاد و گردهمایی در همان محدوده نیازمند می گردند و معمولاً فرد مقتدری را به سرپرستی خود انتخاب و

کاردان همان اولاد برگزیده می‌گردد، وظیفه چنین فردی رتق و فتق امور اجتماعی مربوط بدان اولاد است. خانوارهای یک اولاد، همه با هم خویشاوندی نزدیک دارند و دارای جد مشترکی اند، معمولاً افراد یک اولاد در واحد جغرافیایی معینی در کنار هم زندگی می‌کنند، مرتع مشترکی دارند و به هنگام کوچ به اتفاق حرکت می‌نمایند و چه در سردسیر و چه در گرمسیر دارای منافع مشترکی اند. در جوامع سنتی ایلی، معمولاً تمامی ساکنین دمی از یک اولادند و امکان دارد عده‌ای به عنوان «وابسته» در کنار آنها، با اجازه آنها و برای آنها فعالیت نموده و سال‌ها زندگی وابسته خود را ادامه دهند. (تفصیل موضوع در قسمت مربوط به بویراحمد). (۲۳)

مال

از نظر ساخت سنتی اولاد آخرین رده تقسیم ایلی در عشایر بختیاری است که اجزاء آن به خانوار می‌رسد ولی به هنگام کوچ بخاطر پراکندگی مرتع و کیفیت علوفه طبیعی و محدود بودن منطقه چرای مشترک، کوچ‌روهای هر تیره مجبور هستند که چراگاه مشترک خود را بر اساس تعداد دام خانوارهای اولاد مربوط بر اساسی به قطعاتی تقسیم و هر دسته که معمولاً از ۱۰ خانوار تجاوز نمی‌نمایند (۱۰ بهون) در گوشه‌ای از مرتع سیاه چادرهای خود را برپا نموده و به چرای دام‌های مربوط به خود اشتغال ورزند، در این صورت هر یک از دسته‌های جداگانه مذکور را یک «مال» می‌نامند.

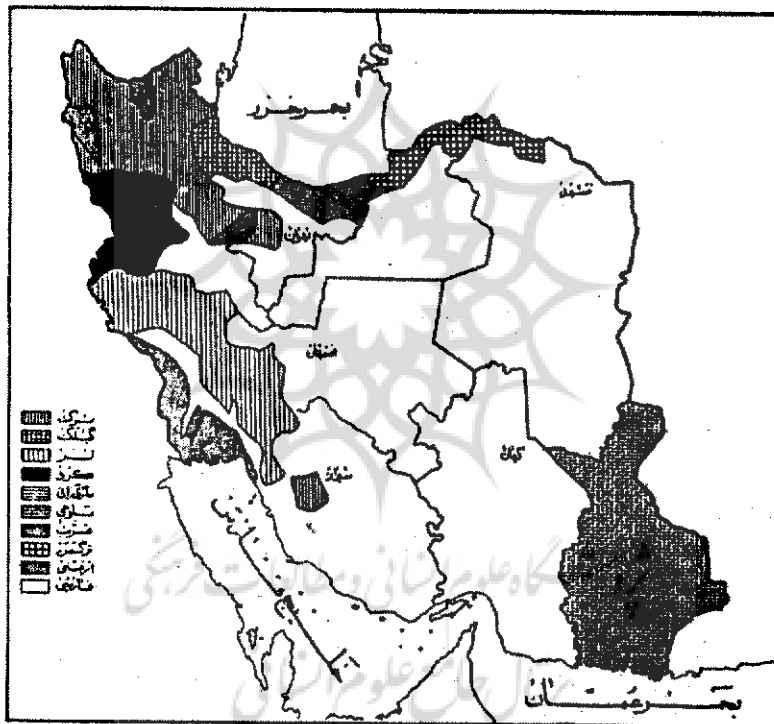
مال تنها واحد عینی ایلی است، جایگاه مال ثابت نیست و به دنبال علوفه، محل چادرها تغییر می‌کند، مال واحدی است هم اجتماعی و هم اقتصادی، اجتماعی بدان خاطر که خانواده‌ها بدور هم جمع‌اند و تصمیمات جمعی می‌گیرند و اقتصادی بدان خاطر که در تولید اولاد شرکت فعال دارد. مال در مقطع زمانی معینی ثابت می‌ماند و از سالی به سال دیگر متغیر و به طور خلاصه واحد مطمئنی برای شناخت ثابت نمی‌تواند به شمار آید.

ساخت قدرت

هر مال دارای سرمالی است به نام «گپ مال» که نام کوچک چنین فردی بدان مال اطلاق می‌گردد. سرمالان تصمیم‌گیرندگان اولاد و تش ولی زیر نظر ریش سفیدان و ریش سفیدان خود زیر نظر کدخدایان و کلانتران هر طایفه انجام وظیفه می‌نمودند و کلانتران خود گوش به فرمان خان بودند.

□ در طوایف مختلف بختیاری هر تیره به چند «تش» تقسیم می‌گردد. تش واحدی است ذهنی چون در یک لحظه زمانی شاخه‌های مختلف آن که به اولاد شهرت دارند قابل رویت نیستند. سرپرستی هر تش را فرد کاردان و فعال و سرو زبان داری از همان تش به عهده دارد که به «ریش سفید» مشهور است.

نقشه قومی و قبیله‌ای ایران



نقل از صفحه ۱۰۲ نشریه سالانه اداره کل آمار عمومی، شماره اول، دی ماه ۱۳۳۸.

هر ایل دارای خانی بود که رتق و فتق امور سیاسی و اقتصادی ایل به دست او انجام می‌پذیرفت ولی نقش او بیشتر نقش سیاسی بود که قدرت نظامی را نیز به همراه داشت. اگر چند ایل در کنار هم و دارای وجه اشتراک‌هایی بودند یکی از خان‌های آنها که دارای قدرت و نیروی بیشتری می‌گردید به نام «ایلخان» بر ایلات همسایه و در نتیجه خانهای ایلات همجوار را زیر نفوذ گرفته و خراج گذار می‌کرد.

بختیاری‌ها در زمان قاجاریه دارای «ایلخانی» بودند که از طرف دولت مرکزی انتخاب می‌گردید، معاون و یا فردی که پس از او تصمیم‌گیرنده بود «ایل بیگی» نامیده می‌شد که او هم از طرف دولت مرکزی انتخاب می‌شد. مثلاً در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه قدرت در

ایل بختیاری در دست به نفر به شرح زیر بود:

الف- ایلخان

امام قلیخان بختیاری «ایلخان» بختیاری بود که از طرف دولت مرکزی به ریاست ایل انتخاب و چون به مکه معظمه مشرف شده بود او را «حاج ایلخانی» نیز می‌نامیدند، وی سالیانه یک هزار تومان از دولت مرکزی حقوق دریافت می‌داشت و در نتیجه سالیانه خراجی به مبلغ ۳۷/۰۰۰ تومان به حاکم اصفهان و خوزستان می‌پرداخت که ۲۲/۰۰۰ تومان آن سهم حاکم اصفهان و ۱۵/۰۰۰ تومان سهم حاکم خوزستان بود و در مقابل سالیانه از هر خانواری ۲ تومان مالیات دریافت می‌داشت. حکومت مرکزی رسماً اختیار داشت که از هر ۱۰ خانوار ایل بختیاری یک نفر سوار و دو نفر پیاده سربازگیری نماید ولی این قدرت عملاً به دست ایلخان بود و ایلخان بختیاری قادر بود ۸/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ نفر جنگجو به هنگام نیاز آماده نماید.

ب- ایل بیگ

ایل بیگی یا معاون ایلخان بختیاری در زمان مذکور اسفندیار خان بختیاری پسر برادر امام قلیخان و فرزند حسین قلیخان (حسین قلیخان ایلخانی که به مدت ۳۲ سال ایلخان بختیاری بود) بود که مورد تأیید حکومت مرکزی نیز بود و در مواردی که ایلخان مغضوب می‌گردید جانشین او می‌شد کلانتران در رده بعد از ایل بیگی قرار می‌گرفتند از نظر سلسله مراتب ایلی کدخدایان و ریش سفیدان پس از کلانتران قرار داشتند.

ج- حاکم

ایلخان و ایل بیگ بیشتر به رتق و فتق امور ایل می‌پرداختند ولی منطقه بختیاری دارای یک حاکم رسمی نیز بود، در همان سال‌ها رضا قلیخان برادر امام قلیخان که خود از محلیان بختیاری بود رسماً حاکم چهارمحال بود و سالیانه بابت عوایدی که به او تعلق می‌گرفت ۲۰/۰۰۰ تومان به حکومت مرکزی پرداخت می‌نمود.

علاوه بر «ایلخان» و «ایل بیگ» کلمه «آ» نیز پیشوند اسم کوچک افرادی است که با خان نسبت برادری داشته باشند. تاریخ بختیاری در این مورد می‌نویسد:

«آ» در زبان لری به معنی خان است، «آ» مخفف آقا است و در بختیاری معمول است برادر بزرگ را خان و سایر را «آ» می‌گویند، همچنین پدر را خان و فرزندان را «آ» می‌نامند. (۲۴) مانند «آخان بابا»،

«اکریم» و «آکلب علی» که هر سه برادران محمد تقی خان کلانتر و ایلخان بختیاری بودند.

در سلسله مراتب ساخت قدرت آن طور که مذکور افتاد (ایلخان، ایل بیگ و حاکم) یک ساخت اداری و دولتی بیان گردید نه ساخت اعتقادی و سنتی مردم زیرا:

در کنار ساخت سنتی اجتماعی ساخت قدرت نیز وجود داشت که از طرفی نیازها و پیشنهادهای کوچکترین واحدهای ایل را از پایین به بالا منعکس نموده و از طرف دیگر تصمیمات و نظریات ایلخان طی سلسله مراتبی جهت اجرا به واحدهای کوچک ایل را ابلاغ می گردید، سلسله مراتب قدرت در عشایر بختیاری در گذشته به شرح زیر بوده است:

در جدول فوق ریش سفیدان انتخابی بودند و بقیه

ساخت اجتماعی	شبکه قدرت
ایل قسمت طایفه نبره نقی اولاد (گروبو) بهون (خانوار)	ایلخان خان کلانتر کدخدا (کلانتر کوچک) ریش سفید ریش سفید رئیس خانوار
مال خانوار	سرمال رئیس خانوار

سلسله مراتب اعمال قدرت در شبکه ساخت سنتی ایل بختیاری گروه ها موروثی و در مواردی انتسابی توسط قدرت بالاتر.

جمعیت

در طول حدود ۱۷۰ سال اخیر افراد و سازمان های متعددی جمعیت بختیاری ها را محاسبه نموده اند. برای اولین بار موریه نایب سفارت انگلیس در ایران در سال ۱۸۱۰ میلادی (۱۲۲۴ قمری) تعداد نفرات آنها را ۵۰۰/۰۰۰ نفر ذکر می نماید (۲۵) که لرد کرزن تخمین مذکور را اغراق آمیز دانسته ولی اظهار می دارد زمانی که صاحب منصبان انگلیسی برای تعلیم قشون به ایران آمدند ۳/۰۰۰ سوار بختیاری برای تعلیم در اختیار آنها قرار گرفت.

راولینسون در سال ۱۸۳۶ (۱۲۵۱ قمری) تعداد بختیاری ها را ۲۸/۰۰۰ خانوار می داند که نصف جمعیت لر کوچک باشد (۲۶)، در سال ۱۸۴۳ (۱۲۵۸ قمری) لیارد انگلیسی جمعیت لر بزرگ را ۳۷،۷۰۰ خانوار برآورد نموده است که حدود ۱۴ درصد از خانوارهای لر کوچک کمتر بوده اند. (۲۷)

دیگر سیاحان خارجی که در سفرنامه های خود ذکری از جمعیت بختیاری نموده اند از حدود تخمین تجاوز نمی نماید.

آنچه نگارنده توانسته درباره تعداد جمعیت بختیاری ها از منابع گوناگون جمع آوری نماید در زیر ملاحظه می کنید:

نخستین جمعیت بختیاری را برای اولین بار از

□ در طول حدود ۱۷۰ سال اخیر افراد و سازمان های متعددی جمعیت بختیاری ها را محاسبه نموده اند. برای اولین بار موریه نایب سفارت انگلیس در ایران در سال ۱۸۱۰ میلادی (۱۲۲۴ قمری) تعداد نفرات را ۵۰۰/۰۰۰ نفر ذکر می نماید.

است، چه ۵۰/۰۰۰ خانوار برابر با حدود ۲۵۰/۰۰۰ نفر نمی تواند ۳/۵ آن تفنگچی باشد چه حدود نیمی از آن را فقط زنان تشکیل می دهند و نیمی از هر گروه را نیز کودکان و سالخوردهگان).

اطلاعات هر دو منبع فوق متعلق است به سفرنامه خوزستان که حاج عبدالغفار نجم الملک در سال ۱۲۹۹ قمری در مسافرت به خوزستان جمع آوری نموده است زیرا نامبرده چنین می نویسد:

«... حسینقلیخان متجاوز از ۱/۰۰۰ مادیان نامی دارد هر رأس از یکصد الی هشتصد تومان قیمت دارد و تا ۲/۰۰۰ رأس نیز گفته اند، تمام ایل بختیاری پراکنده شده اند در خاک خوزستان برای قشلاق در جلگه دزفول و اهواز و شوشتر و تا حدود رامهرمز می آیند و حال آن که حقی ندارند... جمعیت بختیاری هفت لنگ و چهار لنگ ۵۰،۰۰۰ خانوار می شود، اگر چه خودشان زیاده از ۳۰/۰۰۰ اقرار ندارند؛ از آن جمله: یکصد هزار تفنگچی رشید بیرون می آید و اقلأ ۲۵/۰۰۰ الی ۳۰/۰۰۰ سوار.» (۳۰)

اگر حدود ۳۶۰۰۰ خانوار اسکان یافته بختیاری ها را از کل خانوارهای منطقه کسر کنیم، جمعیت کوچرو بختیاری ها حدود ۷۲/۰۰۰ خانوار می گردد که بیلاق و قشلاق می نمایند و این

ماخذ	سال	جمعیت
موریه	۱۸۱۰ میلادی	۵۰۰،۰۰۰ نفر
راولینسون	۱۸۳۵ میلادی	۲۸،۰۰۰ خانوار
لیارد	۱۸۴۳ میلادی	۳۷،۷۰۰ خانوار
لرد کرزن	۱۸۸۹ میلادی	۳۳،۰۰۰ خانوار
از طریق برآورد مالیاتی	۱۸۸۰ میلادی	۱۸،۰۰۰ خانوار
هانری رنه دالمانی	۱۹۰۷ میلادی	۳۰،۰۰۰ خانوار
سرپرسی لورین	۱۹۲۳ میلادی	۳۷،۰۰۰ خانوار
سفرنامه خوزستان	۱۲۹۹ قمری	۵۰،۰۰۰ خانوار
بستان السیاحه	۱۲۱۵ قمری	۳۰،۰۰۰ خانوار
کفایة الجغرافی جدید	۱۳۱۹ قمری	۵۰،۰۰۰ خانوار
تاریخ بختیاری	۱۲۲۷ قمری	۵۰،۰۰۰ خانوار
جغرافیای نظامی ایران	۱۳۲۵ شمسی	۵۰،۰۰۰ خانوار
مجله رزم ماهانه	۱۳۲۷ شمسی	۶۰،۰۰۰ نفر
مجله رزم ماهانه	۱۳۲۷ شمسی	۷۵،۰۰۰ خانوار
امیرحسین ظفر ایلخان بختیاری	۱۳۳۳ شمسی	۲۵۰،۰۰۰ نفر
ابرنشهر	۱۳۳۳ شمسی	۳۶،۳۱۸ خانوار
مرکز آمار ایران	۱۳۳۵ شمسی	۲۶،۰۰۰ خانوار
دفتر آبادانی مناطق عشایری	۱۳۳۹ شمسی	۱۲۶،۰۰۰ خانوار
اداره بهداشت	۱۳۵۱ شمسی	۲۲،۰۰۰ خانوار
سرشماری کشاورزی	۱۳۵۳ شمسی	۲۰،۰۰۰ خانوار
نظری به ایلات ایران	۱۳۵۷ شمسی	۷۲،۰۰۰ خانوار
مرکز عشایری	۱۳۶۰ شمسی	۸۰،۰۰۰ خانوار
استان چهارمحال و بختیاری	۱۳۶۲ شمسی	۱۲،۶۶۲ خانوار (نقطه کوچرو)

نوسان جمعیت ایل بختیاری در سال های مختلف

صحیح ترین آماری است که تا به حال از ایل بختیاری تهیه و منتشر گردیده است. (۳۱)

اقتصاد ایل

گفته شد که وجه تمایز اقتصاد عشایری و اقتصاد روستایی بر فرآورده های زراعی و دامی استوار است با این تفاوت که اقتصاد غالب در روستاها زراعت و در عشایر دامداری است. برای اثبات این موضوع به محاسبه آمار رسمی کشور در این مورد می پردازد.

قول محلیان در تاریخ بختیاری می یابیم زیرا سردار اسعد در این باره می نویسد:

«جمعیت بختیاری هفت لنگ و چهار لنگ ۵۰،۰۰۰ خانوار می شوند و می توانند ۱۵/۰۰۰ نفر تفنگچی پیاده و ۲۵/۰۰۰ سواره حاضر کنند.» (۲۸)

اطلاعات مذکور در منابع قبل از تدوین تاریخ بختیاری در سال ۱۳۱۹ قمری چنین آمده است: «رمة های ایلخانی بختیاری را گویند ۱/۰۰۰ رأس مادیان عربی معتبر است قیمت هر رأی از ۸۰۰ الی ۲۰۰ تومان است... جمعیت بختیاری هفت لنگ و چهار لنگ ۵۰/۰۰۰ خانوار می شود و می تواند ۱۵/۰۰۰ تفنگچی و ۲۵/۰۰۰ سوار حاضر کنند.

رامهرمز خالصه بود حضرات خوانین بختیاری از دولت خریدند... خانه قشلاقی ایلخانی در «ناغان» و بیلاقی «چغاخور» است.» (۲۹)

در متن هر دو منبع فوق الذکر چنین آمده است: «... جمعیت بختیاری هفت لنگ و چهار لنگ پنجاه هزار خانوار می شوند و می توانند یکصد و پنجاه هزار تفنگچی بیست و پنج هزار سوار حاضر کنند...» به نظر می رسد ۱۵۰/۰۰۰ تفنگچی درست نباشد و مسلماً اشتباهی در نوشتن رخ داده

نام منطقه	تعداد خانوار	تعداد دام (گوسفند و بز)	متوسط دام خانوار
فارس	۲۱۶۱۰۰۰	۲۱۷۶۵۱۰۰۰	۱۷
بختیاری	۵۰۱۰۰۰	۹۰۶۱۰۰۰	۱۸
کهگیلویه و بویراحمد	۳۵۱۰۰۰	۶۰۱۱۰۰۰	۱۷
روستاهای مرکزی	۳۰۱۱۰۰۰	۵۱۲۷۲۱۰۰۰	۱۷
کل مناطق روستانشین	۳۳۰۶۱۰۰۰	۲۲۱۰۱۱۱۰۰۰	۱۳

تعداد دام خانوارهای روستائی مناطق مرکزی ایران (۳۲)-۱۳۵۲

نام منطقه	تعداد خانوار	تعداد دام	متوسط دام خانوار
فارس	۱۹۱۶۰۰	۲۱۰۹۳۲۰۰۰	۱۰۷
بختیاری	۲۱۸۰۰	۲۴۲۱۰۰۰	۸۶
کهگیلویه و بویراحمد	۶۰۰	۴۹۱۰۰۰	۸۲
عشایر مرکزی	۲۳۱۰۰۰	۲۱۳۸۴۱۰۰۰	۱۰۴
کل عشایر ایران	۵۶۱۵۰۰	۵۱۲۷۲۱۰۰۰	۹۳

تعداد دام خانوارهای عشایر مرکزی ایران گوسفند و بز، بز و بزغاله (۳۳)-۱۳۵۳

در سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک در جداول مربوط، تعداد گوسفند و بز در دو جدول از هم تفکیک شده بود و تعداد بهره برداران آن جداگانه محسوب گردیده بود ولی در جدول حاضر فرض بر این است که کلیه دام متعلق به همه عشایر کوچرو است از این رو متوسط دام خانوارهای عشایری محاسبه تا در جداول کشاورزی خانوارهای عشایری قابل مقایسه باشد.

نام منطقه	تعداد خانوار	سطح زیر کشت و آیش	متوسط زمین
فارس	۲۱۶۱۰۰۰	۱۱۲۸۲۱۰۰۰	۵/۹
بختیاری	۵۰۱۰۰۰	۲۶۸۱۰۰۰	۵/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۳۵۱۰۰۰	۱۶۶۱۰۰۰	۴/۷
روستاهای مرکزی	۳۰۱۱۰۰۰	۱۱۷۱۶۱۰۰۰	۵/۷
کل مناطق روستانشین	۳۳۰۶۱۰۰۰	۱۷۱۲۹۴۱۰۰۰	۵/۲

سطح زیر کشت و آیش خانوارهای روستائی مناطق مرکزی ایران (۳۲)- (واحد سطح هکتار) - ۱۳۵۲

نام منطقه	تعداد خانوار	سطح زیر کشت و آیش	متوسط زمین
فارس	۱۹۱۶۰۰	۳۵۲۶۰۰۰	۱/۸۱
بختیاری	۲۱۸۰۰	۵۱۱۰۰	۱/۸۲
کهگیلویه و بویراحمد	۶۰۰	۱۰۰	۰/۱۶
عشایر مرکزی	۲۳۱۰۰۰	۲۰۱۸۰۰۰	۱/۷۷
کل عشایر ایران	۵۶۱۵۰۰	۲۴۱۰۰۰	۰/۷۶

سطح زیر کشت و آیش خانوارهای عشایر مرکزی ایران (۳۵)- (واحد سطح هکتار) - ۱۳۵۳

در سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک برای کل عشایر ایران حدود ۴۳/۰۰۰ هکتار سطح زیر کشت و آیش محاسبه گردیده است و حدود ۹/۰۰۰ بهره بردار از زمین های فوق گزارش شده است یعنی حدود ۱۶ درصد از عشایر بهره بردارند حدود ۸۴ درصد بقیه فاقد زمین ولی اگر متوسطی برای سطح زیر کشت و آیش عشایر را مورد محاسبه قرار دهیم جدول فوق نتیجه می شود.

در سردسیر به همراه ۵ رأس ماده گاو و یک رأس گاو نر بدون داشتن دام می تواند زندگی متوسطی را بچرخاند.

د- خانواری که دارای ۱۰۰ رأس میش و ۵ رأس بز باشد، می تواند بدون داشتن زمین زندگی متوسط خود را بچرخاند، داشتن نصف دام مذکور زندگی فقیرانه ای است. (۳۶)

کوچ و تعریف

بختیاری ها همانند دیگر ایلات به هنگام کوچ نیاز به تعریف دام خود نیز دارند، در این مورد کتاب شناخت سرزمین بختیاری (۳۷) چنین می نویسد: یکی از طوایف مشهور (هفت لنگ) با بادی است که برای تعریف از کوه رنگ و دامنه زرد کوه و در گرمسیر از لالی (نزدیک مسجد سلیمان) تا محل شعبیه نزدیک اهواز می روند (طول فاصله ۱۳۰ تا ۱۷۰ کیلومتر)، برنامه تعریف آنها چنین است:

- از ۱۵ آذر تا اول فروردین در اطراف اهواز و کارون (شعبیه).
- از فروردین تا اواسط اردیبهشت در راه اند تا به کوه رنگ برسند.
- از اردیبهشت تا اواسط تیر ماه در کوه رنگ و اطراف رود زاینده رود به سر می برند.

- از اواسط تیر تا اوایل مهر در دامنه زردکوه در حرکت اند.

- از اوایل مهر تا ۱۵ آبان بطرف گرمسیر در حرکت اند.

- از ۱۵ آبان تا ۱۵ آذر در خوزستان به سر خواهند برد. بنا بر یک رسم قدیمی به هنگام کوچ و عبورشان از مراتع دیگران بیش از یک شبانه روز حق توقف ندارند ولی اگر گرفتاری خارق العاده ای برای آنها رخ داده دو شبانه روز تا یک هفته حق توقف دارند. (۳۸)

کیفیت مرتع

راجع به کیفیت مرتع در رابطه با تعریف چنین نوشته اند:

- هر هکتار از مراتع درجه یک قدرت تعریف دو رأس گوسفند را دارد.

- هر هکتار از مراتع درجه دو قدرت تعریف یک رأس گوسفند را دارد.

- هر دو هکتار از مراتع درجه سه قدرت تعریف یک رأس گوسفند را دارد.

با این ترتیب می توان به اهمیت اقتصاد ایلی و دام در عشایر پی برد که سنجش فرآورده های مربوط بدان و محاسبه هزینه های مربوط مبحث جداگانه ای است که آن جداگانه خواهد آمد.

ایل راه

طوایف مختلف بختیاری دارای سه ایل راه هستند، که طولانی ترین آنها متعلق به چهار لنگ هاست، طول راه حدود ۴۴۴ کیلومتر است که

□ بختیاری ها در زمان قاجاریه دارای «ایلخانی» بودند که از طرف دولت مرکزی انتخاب می گردید، معاون و یا فردی که پس از او تصمیم گیرنده بود «ایل بیگی» نامیده می شد که او هم از طرف دولت مرکزی انتخاب می شد.

نام منطقه	تعداد دام		زمین زیر کشت و آیش	
	روستا	عشایر	روستا	عشایر
فارس	۱۷	۱۰۷	۵/۹	۱/۸۱
بختیاری	۱۸	۸۶	۵/۳	۱/۸۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷	۸۲	۴/۷	۰/۱۶
قسمتهای مرکزی	۱۷	۱۰۴	۵/۷	۱/۷۷
کل ایران	۱۳	۹۳	۵/۲	۰/۷۶

مقایسه متوسط زمین و دام خانوارهای روستانشینان و عشایر مناطق مرکزی ایران-۱۳۵۲ (تعداد دام رأس، واحد سطح هکتار)

جدول فوق، اختلاف اقتصاد غالب روستا و عشایر را بخوبی نشان می دهد، به طور متوسط دام عشایر حدود ۶ تا ۷ برابر روستاییان و زمین روستاییان حدود ۳ تا ۷ برابر زمین عشایر است. یکی از محلیان بختیاری در مورد این مقایسه، چنین می نویسد:

اقتصاد دامی

اگر در منطقه بختیاری اقتصاد خانوار متوسطی را در نظر بگیریم، بنا بر نوشته و محاسبه محلیان می توان چنین اظهار نظر نمود:

الف- ۳/۴ درآمد یک خانوار متوسط از راه دامداری و یک چهارم بقیه از طریق کشاورزی تأمین می گردد.

ب- خانوارهای متوسط بیشتر به پرورش بز می پردازند، برخی از آنها اصولاً دارای میش نیستند زیرا نگهداری بز آسانتر است.

ج- هر خانوار با حدود ۳۰ من بذریاش (من ۶ کیلوئی سنگ شاه) در گرمسیر و ۵۰ من بذریاش

از چنارود در سرحد آغاز شده به سردشت گرمسیری می‌رسد، مدتی که چهار لنگ‌ها این فاصله را می‌پیمایند بین ۲۷ تا ۴۰ روز است.

هفت لنگ‌ها دارای دو ایل راه هستند، طول ایل راه بازفت ۲۷۱ کیلومتر است که از حوالی مسجد سلیمان آغاز شده تا دره بازفت در دامنه کوه رنگ امتداد دارد، ایل راه دیگر به نام دز پارت معروف است که از حوالی شهر کرد آغاز و به حدود ایذه در گرمسیر به طول حدود ۲۱۷ کیلومتر منتهی می‌گردد. مدت زمانی که هفت لنگ‌ها ایل راه خود را می‌پیمایند بین ۱۶ تا ۲۵ روز محاسبه نموده‌اند زیرا حرکت از سردسیر به گرمسیر سریع و عکس آن کندتر صورت می‌گیرد.

باید در نظر داشت که حدود ۷۲/۱۰۰۰ خانوار کوچرو با جمعیتی حدود ۳۶/۰۰۰ نفر به همراه حدود ۸۰۰/۰۰۰ رأس دام که حدود ۷۸ درصد آنها را گوسفند و بز تشکیل می‌دهد بایستی در مدتی کمتر از یک ماه مسیر مذکور را طی نمایند.

به طور متوسط روزانه ۱۸/۰۰۰ نفر انسان به همراه حدود ۹۰/۰۰۰ رأس دام کوچ خود را ادامه می‌دهند، اگر در نظر داشته باشیم که می‌باید از دامنه‌ها، گردنه‌های سخت کوهستانی و شاخه‌های متعدد رود کارون عبور نمایند و این عبور همه روزه ادامه می‌یابد به سازماندهی و مدیریت سران و کلانتران بختیاری پی می‌بریم، مضافاً این که، بایستی آذوقه و مایحتاج آنها نیز تأمین گردد. (۳۹)

پی‌نوشت:

۱- حمداله مستوفی، تاریخ گزیده ص ۵۳۸، بدلیسی شرفنامه، ص ۴۴. معین‌الدین نظری، تاریخ ملوک شبانکاره، ص ۳۷.

۲- رودخانه کارون دارای دو شاخه اصلی است: شاخه غربی به نام «دز» از کوه‌های شمالی لرستان در حوالی بروجرد آغاز شده به سمت جنوب جریان می‌یابد. شاخه شرقی کارون از ارتفاعات بختیاری سرچشمه گرفته به سمت غرب در شمال شهر دزفول از کوهستان خارج شده از کنار شهر دزفول گذشته در نزدیکی بند قیر دو شاخه به هم می‌پیوندند (فرهنگ جغرافیایی، ج ۶، استان خوزستان، ص ۱۶۱).

۳- معین‌الدین نظری، تاریخ ملوک شبانکاره، ص ۳۷.

۴- سیدمحمدعلی امام شوشتری، تاریخ و جغرافیای خوزستان، ص ۱۷۳.

۵- حمداله مستوفی، تاریخ گزیده، صص

۵۴۰-۵۴۱.

۶- تاریخ بختیاری، صص ۱۴۱-۱۳۸ و صص ۲۱-۲۰.

۷- ایران و قضیه ایران، ج ۲، ص ۳۵۰ و تاریخ بختیاری سردار اسعد، ص ۴۶۱.

۸- ر.ک: تاریخ بختیاری سردار اسعد و تاریخ مشروطه ایران، جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، دکتر نوزاله دانشور علوی.

۹- سردار اسعد، تاریخ بختیاری، ص ۱۴۲.

۱۰- همان، صص ۷۶۵ و ۷۶۴.

۱۱- سفرنامه هنری راولینسون به لرستان، خوزستان و بختیاری، صص ۱۱۰-۱۰۸.

۱۲- تاریخ بختیاری، ص ۱۹۸.

۱۳- سفرنامه راولینسون، ص ۱۱۱.

۱۴- بررسی ایلات عشایر بختیاری، ص ۷۲.

۱۵- از یادداشت‌های حسن رضا صالحی بابادی (۱۳۶۵/۴/۸).

۱۶- سردار اسعد، تاریخ بختیاری، صص ۵۳۶-۵۳۵.

۱۷- سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک، مرکز آمار خوزستان، سمینار بررسی کرمانشاهان، جلد دوم، خوزستان، ۱۳۵۳، ص ۱۳.

۱۸- توصیفی از ساختمان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی ایل بختیاری، دکتر خدا مرادپور و دکتر غلامحسین جلالی، دانشکده بهداشت، مرداد ۱۳۵۱، ص ۹۸.

۱۹- سردار اسعد در کتاب خود اصولاً هر دسته‌ای را طایفه نامیده و به تقسیمات سنتی ایلی توجهی نداشته است مثلاً:

- طایفه بختیاری ص ۷۶۳ تاریخ بختیاری

- طایفه هفت لنگ ص ۵۳۳ تاریخ بختیاری

- طایفه دورکی ص ۵۳۳ تاریخ بختیاری

- طایفه اسبوند ص ۵۳۳ تاریخ بختیاری.

در صورتی که اسوند خود دارای پنج زیرشاخه (تیره) است و خود یکی از طوایف دورکی است، دورکی خود یکی از چهار قسمت هفت لنگ است، همه آنها نمی‌توانند طایفه باشند.

۲۰- با استفاده از: بامدی طایفه‌ای از بختیاری، ص ۸۸.

۲۱ و ۲۲- ایل بختیاری در سال ۱۳۵۳ دارای ۲۴۱ تش بوده که ۶۸ تش آن متعلق به چهار لنگ‌ها و ۱۷۳ تش بقیه متعلق به هفت لنگ‌ها بوده.

(مرکز آمار ایران، سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک، ۱۳۵۳)، آمار داده شده مربوط به خانوارهایی است که از اولادهای مختلف کوچ کرده‌اند.

۲۳- براساس سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک که در سال ۱۳۵۳ توسط مرکز

آمار به عمل آمده، خانوارهای کوچرو بختیاری متعلق به ۱۱/۱۷۶ اولاد بودند که ۳۳۳ اولاد آن از چهار لنگ‌ها و ۸۴۳ اولاد دیگر متعلق به هفت لنگ‌ها بودند و در مجموع نزدیک به ۲۸/۰۰۰ خانوار را شامل می‌شدند. (۲۷/۸۴۴ خانوار).

۲۴- تاریخ بختیاری، ص ۲۵۱.

۲۵- همان، ص ۴۰۴. ایران و قضیه ایران، لرد کرزن، جلد ۲، ص ۳۵۱.

۲۶- سفرنامه هنری راولینسون، ص ۱۳۶، راولینسون از سال ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۹ به عنوان مشاور نظامی در ایران به کار اشتغال داشته است.

۲۷- همان، ص ۴۰۰.

۲۸- تاریخ بختیاری، ص ۲۲.

۲۹- عبدالغفار نجم الدوله، کفایة الجغرافی جدید، صص ۱۲۱-۱۲۰-۱۰۶.

۳۰- عبدالغفار نجم الدوله، سفرنامه خوزستان، صص ۵۶ و ۷۶.

۳۱- جداول جمعیتی سه گانه فوق از جداول جمعیتی مفصل فصل پنجم آمار جمعیت و تقسیمات ایلی، صفحات ۲۲۸ تا ۲۶۷ بررسی ایلات عشایر بختیاری نشریه دفتر آبادانی مناطق عشایری، وزارت آبادانی و مسکن، سال ۱۳۴۹، بتفکیک کوچ و اسکان محاسبه و نتیجه‌گیری شده است.

۳۲- تعداد خانوارهای جدول شماره ۳۶ با استفاده از جدول مربوط به فارس، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد تهیه شده است. تعداد دام مربوط است به جدول شماره ۴۳، صفحه ۶۸۳، منبع مورد استفاده: نتایج سرشماری کشاورزی، مرکز آمار ایران، مرحله اول ۱۳۵۲، شماره مسلسل ۶۱۳، اسفند ۱۳۵۴. (محاسبه شده).

۳۳- محاسبه شده از: سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک، مرکز آمار ایران، سال ۱۳۵۳، صص ۱۶ و ۱۷.

۳۴- همان صص ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۵۳ (محاسبه شده)

۳۵- سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک، جدول ۲، ص ۱۲ و جدول ۱۶، ص ۲۱.

۳۶- نیکزاد امیرحسینی، شناخت سرزمین بختیاری، ص ۳۶۲.

۳۷- همان، ص ۳۵۹.

۳۸- همان، ص ۳۶۰.

۳۹- بررسی ایلات و عشایر بختیاری، صص ۲۱-۲۱.